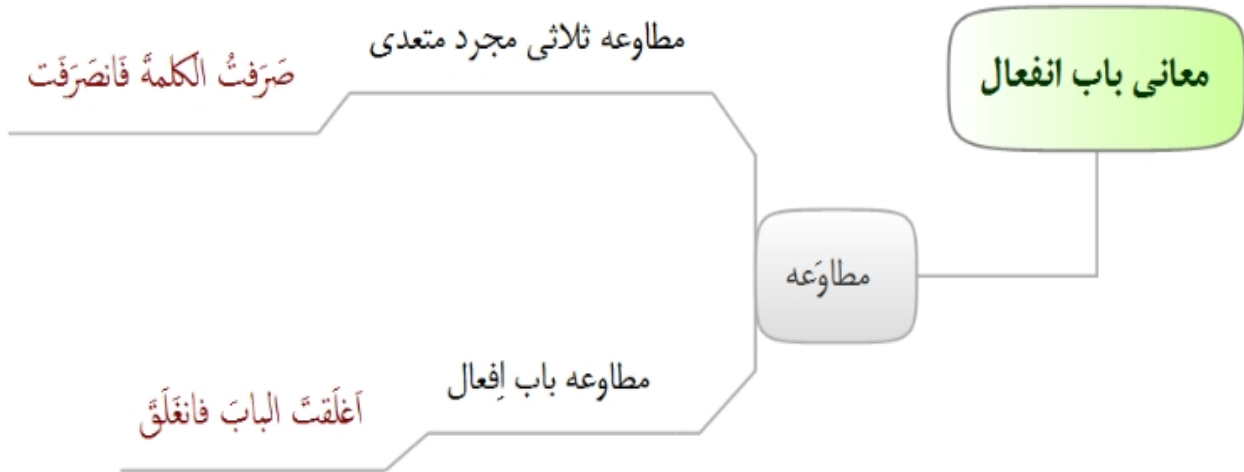


وزن مصدر	وزن مضارع	وزن ماضی	نام باب
إِنْفِعَالاً	يَنْفَعِلُ	إِنْفَعَلَ	۵. باب انفعال
إِنْصِرَافاً	يُنْصِرِفُ	إِنْصَرَفَ	
إِنْشِياداً (قاعده ۳ اعلال ثلاثی مزید)	يَنْقَوِدُ	إِنْقَوَدَ	اجوف (مثال واوی)



وزن مصدر	وزن مضارع	وزن ماضی	نام باب
تَفَعَّلًا	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ	۶. باب تَفَعَّلَ
تَضَرَّفًا	يَتَضَرَّفُ	تَضَرَّفَ	

صیغه های ۴ و ۵ غایب و شش صیغه مخاطب

حذف یکی از دو تاء، جائز است.

۱- در صیغه هائی از مضارع معلوم (و به تبع آن، امر و ...) که دو تاء مفتوح در اول صیغه قرار می گیرد.

تَضَرَّفُ : تَضَرَّفُ

در مضارع مجهول، هر دو تاء باقی می مانند. تَفَعَّلُ

جائز است تاء باب را همجنس فاء الفعل کرده، و در آن، ادغام کنیم.

۲- فاء الفعل، یکی از حروف ت، ث، ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ باشد.

قاعده (۱ و ۲)، قاعده (۱)، لزجیت دارد.

قواعد خصوصی افعال
باب تَفَعَّلَ

اگر با این عمل، اول کلمه ساکن شده یک همزه وصل مکسور، در ابتدای کلمه می آوریم

تَثَبَّتُ : اِثْبَتُ، يَثَبَّتُ، اِثْمًا

لام الفعل آن، در مواردی سماعاً به یاء تبدیل می شود.

۳- اگر فعل مضاعف به باب تفعّل برود و سه حرف همجنس کنار هم جمع شود.

ظَلَّ : نَطَّنَ : نَطَّنَى : نَطَّنَى

واو لام الفعل، قلب به یاء می شود و ماقبل یائی که پدید می آید، مکسور می شود.

۴- در مصدر باب تفعّل ناقص واوی

در مصدر ناقص بائی هم، ماقبل یاء لام الفعل، مکسور می شود.

تَرَجُّوْ : تَرَجُّوْ : تَرَجُّوْ

در مصدر باب تفعّل مهموز اللام هم، اگر قاعده تخفیف همزه اجرا شود، این قاعده اعمال می شود. تَرَجُّوْ : تَرَجُّوْ : تَرَجُّوْ : تَرَجُّوْ

باب افعال	وزن ماضی	وزن مضارع	وزن مصدر	امر غایب	امر حاضر
	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلًا	لِيَتَفَعَّلْ	تَفَعَّلْ
مضاعف	تَخَلَّلَ	يَتَخَلَّلُ	تَخَلَّلًا	لِيَتَخَلَّلْ	تَخَلَّلْ
	تَفَرَّرَ	يَتَفَرَّرُ	تَفَرَّرًا	لِيَتَفَرَّرْ	تَفَرَّرْ
	تَصَدَّدَ	يَتَصَدَّدُ	تَصَدَّدًا	لِيَتَصَدَّدْ	تَصَدَّدْ
	تَصَدَّى	يَتَصَدَّى	تَصَدَّىا	لِيَتَصَدَّى	تَصَدَّى
مثال	تَوَهَّم	يَتَوَهَّم	تَوَهَّمًا	لِيَتَوَهَّمْ	تَوَهَّمْ
ناقص	تَعَدَّى	يَتَعَدَّى	تَعَدَّىا	لِيَتَعَدَّى	تَعَدَّى
لغيف	تَوَلَّى	يَتَوَلَّى	تَوَلَّىا	لِيَتَوَلَّى	تَوَلَّى
	اِتَّبَتْ	يَتَّبِتْ	اِتَّبِتًا	لِيَتَّبِتْ	اِتَّبِتْ
	اِتَّبَعَ	يَتَّبِعْ	اِتَّبِعًا	لِيَتَّبِعْ	اِتَّبِعْ
	اِدَّتْرَ	يَدَّتْرُ	اِدَّتْرًا	لِيَدَّتْرُ	اِدَّتْرُ

معانی باب تفعّل

معنای غالبی

مطاوعه باب تفعیل

۱- مطاوعه

أَدَّبْتُهُ فَتَأَدَّبَ

با زحمت و دشواری، کاری را انجام دادن یا صفتی را از خود نشان دادن

۲- تکلف

تَشَجَّعَ = به سختی از خود شجاعت نشان داد.

۳- اتخاذ

تَوَسَّدَ الْحَجَرَ = سنگ را برای خود بالش قرار داد.

خواستن ماده فعل

۴- طلب

تَعَجَّلْتُ الشَّيْءَ = خواستار سرعت آن چیز شدم.

۵- تدریج

تَجَرَّعَ الْمَاءَ = آب را جرعه جرعه نوشید.

دوری کردن فاعل از ماده فعل

۶- تجنب

تَأْتَمُّ = از گناه دوری کرد.

۷- صيرورت

تَأَيَّمَتِ الْمَرْأَةُ = زن اَيِّم (بی همسر) شد.

۸- شکایت

تُظَلِّمُ = از ظلم شکایت کرد.

با تاکید و مبالغه

۹- معنای ثلاثی مجرد

بَسَمَ و تَبَسَّمَا = لبخند زد.